نگاه

برندگان و بازندگان نفت صد دلاری

فریبرز مسعودی

روند صعودی بهای نفت در بازارهای جهانی با توجه به اینکه نرخ رشد اقتصادی کشورهای مهم جهان نمود معمول خود را طی می‌کند، نظر بیشتر کارشناسان نفتی را برای واکاوی علت آن به سمت فرارسیدن زمستان و زمزمه‌های تحریم نفتی ایران از سوی آمریکا جلب می‌کند.

اما برندگان و بازندگان احتمالی افزایش بهای نفت چه کشورهایی هستند؟

درواقع در فضای پرتنش بین‌المللی که یک‌طرف آن آمریکا و در سمت دیگر اتحادیه اروپا، روسیه، بیشتر کشورهای عضو اوپک، چین، هند و ایران قرار دارند، به سختی می‌توان برندگان و بازندگان احتمال افزایش بهای نفت صد دلاری را تصور و روابط اقتصادی قدرت‌های بزرگ را ترسیم کرد.

آمریکا و نفت شیل

بی‌شک آمریکا در صورت افزایش بهای نفت یکی از برندگان آن خواهد بود؛ زیرا این کشور با برنامه‌ریزی‌هایی که از اغاز سده کنونی داشته با دستیابی به فناوری استخراج نفت شیل و افزایش استخراج نفت طبیعی و البته سرمایه‌گذاری سنگین در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، خود را از واردات نفت بی‌نیاز کرده است. دولت آمریکا در دوره جهش بهای نفت به بالای صد دلار، درحالی‌که خود یکسی از واردکنندگان عمده نفت خام بود، با ایجاد توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاران را به سمت استخراج و توسعه فناوری نفت شیل و انرژی‌های تجدیدپذیر جلب و زمینه‌های جایگزینی نفت شیل با نفت وارداتی را فراهم کرد. کاهش قیمت نفت درصورتی‌که زمینه رشد بهتر اقتصادی چین و هند رقبای اقتصادی و تجاری آمریکا را فراهم می‌کرد، باعث شد تا تولید نفت شیل توجیه اقتصادی خود را از دست داده و سرمایه‌های کلان این بخش بی‌استفاده بمانند. از سوی دیگر، اگرچه افزایش بهای نفت به زیان چین و هند تمام خواهد شد، می‌توان چوندن جاتعزنی روسیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت خام و کاز را در برابر اروپا بالا برد که این موضع تأمین‌کننده مطمئنی برای نیازهای نفتی خود نیافته‌اند.

روسیه و «نورد استریم ۲»

اقتصاد روسیه که در سال‌های اخیر در اثر تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا و همچنین کاهش ناگهانی بهای نفت به‌شدت آسیب دیده بود، یکی از برندگان اصلی افزایش بهای نفت خواهد بود. احداث خط لوله «نورد استریم ۲» که با مخالفت‌های شدید آمریکا تا حد تحریم شرکت‌های اروپایی شرکت‌کننده در این پروژه عظیم روبرو شده است، اینک با خیال راحت‌تری از سوی روسیه و اروپا پیش خواهد رفت. این خط لوله با دورزدن اوکراین و لهستان که این سال‌ها در ازدواگ آمریکا علیه روسیه سنگر بسته بودند، مستقیما کار روسیه با به آلمان و اتریش و سایر کشورهای اروپای غربی خواهد رساند. دستریسی کشورهای اروپای غربی به کار روسیه که می‌تواند در مسیر بهبود روند و توسعه اقتصادی این کشورها نقش بسزایی را بازی کند، همواره مورد مخالفت شدید کلیه دولت‌های آمریکا از ریگان تا ترامپ بوده است.

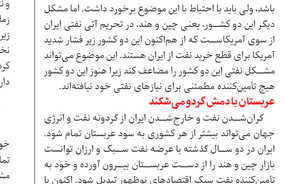

همچنین روسیه که در سال‌های اخیر با کاهش بهای نفت از یک‌سو و تحریم‌های غرب علیه این کشور دچار مشکل‌های اقتصادی شده بود، می‌تواند با درآمدهای نفتی و کار بر مشکلات اقتصادی خود غلبه کند و با تکیه بر تامین انرژی کشورهای غربی عضو اتحادیه اروپا قدرت جانعزنی خود را در اختلافات بر سر سوریه، اوکراین و همکاری با ایران بالا ببرد و اردوغان را به خود نزدیک‌تر کند. فراموش نکنیم در سردترین فصل روابط سیاسی و اقتصادی روسیه و ترکیه پس از هضد قرارداد هواپیمای نظامی روسیه از سوی انقره ترکیه، روسیه با پیش‌کشیدن این موضوع که ترکیه می‌تواند به هاب گازی منطقه تبدیل شود، عملا ترکیه را از غرب و حمایت از داعش جدا کرد و می‌توان گفت روند نزدیکی این دو کشور از همان دوران آغاز شد.

چین و هند و مشکلات پایان ناپذیر تأمین انرژی

اگرچه چین بر اساس شاخص انرژی تجدیدپذیر (RECAI) به عنوان بهترین مکان برای سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و تشکیل اسناد آمیال در سال ۲۰ کشور جهان معرفی شد (چین نخستین کشور و هند چهارمین کشور در این رتبه‌بندی هستند)، این کشور هنوز عمده نیازهای انرژی خود را از نفت و گاز تامین می‌کند. چین و هند با سرمایه‌گذاری‌های عظیم در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر میلیاردها دلار در تولید و استخراج نفت در کشورهای نفت‌خیز سرمایه‌گذاری نیز کرده‌اند، اما با افزایش بهای نفت صنایع این دو کشور با مشکل‌های روبه‌رو خواهند شد که ممکن است در کاهش رشد اقتصادی آنها تاثیر منفی داشته باشد. ولی باید با احتیاط با این موضوع برخورد داشت. اما مشکل دیگر این دو کشور، یعنی چین و هند، در تحریم آتی نفتی ایران از سوی آمریکاست که از هم‌اکنون این دو کشور زیر فشار شدید آمریکا برای قطع خرید نفت از ایران هستند. این موضوع می‌تواند مشکل نفتی این دو کشور را مضاعف کند زیرا هنوز این دو کشور تهیه تأمین‌کننده مطمئنی برای نیازهای نفتی خود نیافته‌اند.

عربستان با دمش گرو می‌شکند

کارشناسان نفت و خارج‌نشین ایران از گردونه نفت و انرژی جهان می‌توانند بیشتر از هر کشوری به سود عربستان تمام شود. ایران در دو سال گذشته با عرضه نفت سبک و ارزان توانست بازار چین و هند را از دست عربستان بیرون آورده و خود به تامین‌کننده نفت سبک اقتصادهای توظهور تبدیل شود. اکنون با تحریم ایران و بالارفتن بهای نفت صنعت نفت ارامکو می‌تواند بازار این دو اقتصاد توظهور و کره‌جنوبی و ژاپن را از خود کرده و در کنار روسیه بازار نفت را قبضه کند و دلارهای نفتی فراوانی را به جیب بزند.

طرح شکایت ایران از آمریکا در دادگاه لاهه در گفت‌وگو با «شرق» از سکوت دستگاه دیپلماسی انتقاد کرد

حکم طلایی در گاوصندوق وزارت خارجه

دستگاه دیپلماسی با داشتن حکم دادگاه لاهه، چرا به عدم اجرای آن از سوی آمریکا اعتراض نمی‌کند

عکس: خبرگزاری

شکوفه حبیب‌زاده: روابط حقوقی بین‌المللی به قدر کفایت پیچیده است. حال اگر طرف مقابل ایران، آمریکا باشد که رودرویی دیرینه‌ای با هم دارند. موضوع یک پله فراتر می‌رود. ماجرای شکایت ایران در دادگاه لاهه برای خروج آمریکا از برجام، وقتی داغ‌تر شد که حکم به نفع ایران صادر شد؛ شکایتی که طرح آن، با وجود ادعای ترک عهدنامه موردنظر از سوی آمریکا، از آن رو بی‌اثر بر حکم خوانده و آن را از سوی این کشور لازم‌الاجرا می‌داند. سیدمهدی حسینی، مسئول پیشین کمیته تدوین قراردادهای جدید نفتی که بر کرسی‌های متفاوت حقوقی نشسته و کمیته‌های حقوقی بین‌المللی برشماری را برای ایران در دادگاه‌های بین‌المللی هدایت کرده است، حالا در گفت‌وگو با «شرق» از تاریخ شفاهی روند حقوقی اقتصاد ایران به شمار می‌رود، به ماجرای شکایت ایران از آمریکا برای خروج از برجام در دادگاه لاهه می‌رسد که پیشنهادش را او به مسئولان وزارت خارجه داد. او درابن‌باره می‌گوید: «گزارش‌ها را آماده کردم و با دکتر محبی، رئیس مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست‌جمهوری، مشورت کردم. ایشان گفتند فکر خوبی است... پس از کارگشایشی (متن این شکوائیه را) در اختیار وزارت خارجه قرار دادم، بی‌آنکه نامی از خودم ببرم. بعد در رسانه‌ها متوجه شدم که ایران از آمریکا شکایت کرده و خوشحال شدم. برای این موضوع تیر تبریک گفتند که از این ایده استفاده شد. اما آنها گفتند که دقیقا طرح ما به رئیس‌جمهور دادند و او نیز از آن استقبال کرده است. البته فیدبک‌هایی که از گزارش‌های خبری گرفتم این بود که وزارت خارجه صرفا به عهده‌نامه موردنظر اجرای دادگاه لاهه را از سوی آمریکا اعتراض نمی‌کند. اما به نظرم در حال رأی که از سوی دادگاه لاهه صادر شد، رأی بسیار خوبی بود.

■ اما آمریکا اعلام کرد از عهدنامه مودت خارج می‌شود. این اقدام آمریکا، حکم دادگاه لاهه را بی‌اثر می‌کند؟

عکس‌العملی که آمریکایی‌ها به این حکم نشان دادند، خیلی غیرعادی و برخلاف روش‌های معمول کشورهایی‌ها بود. این تصمیم آمریکا هم در نتیجه دادگاه اری نداد؛ زیرا حکم دادگاه، عطف به ماسبق نمی‌شود. فرقی از این خروج از عهدنامه مودت، روش‌ری داد که حدود اینش از یک سال طول می‌کشد که به نتیجه برسد؛ آن‌هم در شرایطی که پس از یک سال، ایران اعتراضی به این تصمیم نداشته باشد که در‌آن‌صورت روال شکایت به دبیرکل سازمان ملل، شورای امنیت و دادگاه لاهه بر سر جای خود باقی است؛ بنابراین این عهدنامه هنوز بر جای خود باقی است. در چنین حالت طرفین لازم‌الاجراست. این حکم دو ویژگی مهم دارد: نباید تحریم در آن زمینه‌هایی که به‌ویژه عهدنامه مودت تکلیف داشته (مسائل اتمی‌دوستانه) اعمال شود. دو بند دیگر صراحتا اشاره دارد که آمریکا نباید تحریم را اجرائی کند. در یکی از بندها اشاره شده که دادگاه در توضیحات آمریکا درباره انرژی‌هاستی تحریم‌ها بر زندگی مردم قانع نشده است. دوم، دادگاه تأکید می‌کند که طرفین نباید طوری عمل کنند که این مناقشه را وضعیت کنونی بدتر شود. علاوه‌ان بند ۲۷ کوانیون وین هم تأکید دارد که اگر یکی از طرفین از عهده‌نامه خارج شد، نباید کاری کند که امکان برگشت به وضعیت گذشته از دست برود؛ اما جریان تحریم آمریکا، اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند و به همین‌دلیل است که ایران با بند کنار گذاشته شود. در این شرایط مشکل‌بار باید دست به اقدام بزنند. اکنون ایران باید از طرق دفتر حافظ منافع آمریکا (سفارت سوئیس) نامه‌ای به آمریکایی‌ها بنویسد و از آنها بخواهد که حکم دادگاه را اجرائی کنند و تحریم‌ها را به طور کامل لغو کنند. در صورت پذیرفتن یا نپذیرفتن آمریکا، در کنار رسانه‌ای‌شدن ارسال این نامه، قطعا، رسوایی دیگری برای مسئولان رده‌بالای این کشور به ثبت می‌رسد؛ زیرا از حکم دیوان دادگستری لاهه تمرد کرده است. علاوه‌ران خبر رسیده که گروه اقدام علیه ایران که مسئول مستقیم تحریم‌ها علیه ایران به همین‌دلیل شکل گرفته است به جهنمیت کشور ورود پیدا کرده تا برای اعمال تحریم‌ها علیه ایران مطرح شده‌اند؛ اما دستگاه دیپلماسی ایران هیچ کاری انجام نمی‌دهد؛ درحالی‌که با تردید بدنی به زمان اعمال تحریم‌ها باید دیپلماسی ایران وارد عمل شود و مذاکراتی برای هماهرادن کشورها با ایران در دستور کار خود قرار دهد. ایران با داشتن این حکم طلایی، مشخص نیست که چرا اقدامی نکرده و در واقعه اجرائی‌کردن حکم دادگاه لاهه از سوی آمریکا، اعتراض نمی‌کند. چرا؟ این بی‌اقدامی مسئولان دیپلماسی ایران بسیار نگران‌کننده است. این حکم طلایی اگر در جیب هر کشوری بود، آن کشور در فضای بین‌المللی، بویژه‌آنکه است و ایران در گروه و کشورهایی را که با آمریکا جزاء خلاف شده‌اند، معرفی می‌کرد. اگر ایران کاری نکند، باخته. این حکم لازم‌الاجراست و باید برای اجرائی‌شدن از طریق دستگاه دیپلماسی ایران پیگیری شود؛ اما اینکه چرا کاری نمی‌کنیم، پرسشی است که ذهن را با خود درگیر می‌کند.**

■ اولین کاری که با دولت آغاز کردید، چه بود؟

فکر می‌کردم نمی‌توانیم وارد دولت شویم و به‌همین‌دلیل برای ادامه تحصیل قصد داشتم بورسیه بگیرم و به ژاپن بروم. رئیس دانشگاه شریف در آن زمان، رئیس شکر فولاد هم بود. به شرکت جزیل پیاس نامی‌آیی؟ گفتم بورس گرفته‌ام و می‌خواهم به ژاپن بروم. گفت ما هم به آلمان، ایتالیا و انگلستان بورسیه می‌فرستیم. بعد از یک هفته به من گفتند حکمت را زدمایم و انشاءالله هستی. من از طریق آنجا به همراه ۲۲ نفر دیگر به آلمان و بعد از آن به آمریکا رفتم. وقتی بعد از یک سال برگشتم، رئیس یکی از پروژه‌های یک میلیون تنی فولادی در اهواز شدم. پروژه آمریکایی- مکزیکی بی‌رو که انگلیسی‌ها در حال ساختشان بودند. من باید شرکت را مدیریت می‌کردم. تا زمان انقلاب که یکی، دو بار به آمریکا رفتم. در سال ۵۶ به من پذیرش دادند که دکترا بخوانم و من هم تصمیم به این کار داشتم. در فودوگاه نیویورک سوار هواپیمای ایران‌ایر که شدم، روزنامه را خواندم و متوجه شدم شرکت ملی فولاد به چرا، اولین مجتمع‌ها بود و با ۱۰ هزار پرسنل. بعد از نفت بیشترین تعداد کارگران را داشت، وارد اعتصابات شده بود. من هم گروه مخفیانه درست کردم و غیرمستقیم اعتصابات را مدیریت می‌کردم. اجازه ندادم اعتصاب که می‌کنند در خانه‌شان بنشینند. سالن بزرگی داشتیم که شاه برای افتتاح آمده بود. گفتیم به مردم ناهار بدهند و تعطیل نشند. در حقیقت مجتمع را به دست گرفتم و صبح تا ظهر هر روز اخبار اعتصابات و اخبار سراسری را دنبال می‌کردیم.

■ لبدرهای اعتصابات در آن دوران با هم در ارتباط بودند؟

افراد مختلفی کار می‌کردند. در حقیقت یک تیم پنج‌شش‌نفره کار را هدایت می‌کرد.

■ شما با اعتصابات نفت ارتباط داشتید؟

خیر. هرکس برای خودش برنامه داشت، اما در زمان راهپیمایی‌ها همه همراه بودیم. چند نفر از دوستان ما را گرفته بودند و سواک هم برای اینکه نشان دهد می‌داند لیدر اعتصابات کیست، یکی از مهندسان فولاد را که بعدها فهمیدم ساواکی بود، نزد من فرستاد. او از من پرسید که آیا می‌خواهم زندانی‌ها را ببینم؟ گفتم چرا که نه. گفت من ترتیبش را می‌دهم. تا آن زمان ما این فرد را جدی نمی‌گرفتیم. فردا به زندان اهواز رفتیم. در زندان که باز شد، فهمیدیم ردهالاست. بعد از چند روز به ما گفت می‌خواهید دوستانتان را آزاد کنیم؟ گفتم چرا که نه. دوستان ما را آزاد کردند.

■ در قبال این کار چیزی از شما نخواستند؟

خیر. چون ضعیف شده بودند. زندانی‌ها را آزاد کردند. تا اینکه انقلاب شد و از من خواستند رئیس مجتمع شوم. نپذیرفتم و گفتم دولت موقت تشکیل شود خودشان مسئول می‌فرستند. من با خودم عهد کردم و بر سر عهدم ماندم که به‌عنوان یک کارشناس هرچه می‌توانم خدمت کنم و کول سمت و حزب و دسته را نخوردم. از دسته‌هایی که قبل از انقلاب کار می‌کردند خیلی دلخور بودم. خیلی از بچه‌های مجاهدین هم سراغ من آمدند. آن زمان مجاهدین محبوب بودند. بچه‌های خیرالملی و دوستان شمخانی آمدند ولی نرفتم. گفتم من مهندس هستم و می‌خواهم کارم را انجام دهم. رئیس از طرف دولت تعیین شد و به من گفت تو معاون من باش. رئیس به‌خاطر ناراحتی قلبی کناره‌گیری کرد و من ماندم و مجتمع فولاد. سخت‌ترین روزهای زندگی من همان اوایل انقلاب بود. آن زمان گروه‌های چپ خیلی فعال بودند. هر روز اعتصاب و سوءقصد در مجتمع ۱۰ هزارنفره راه می‌انداختند. پیمانکاران داخلی و خارجی رفته بودند و کارگران ماندند و پولی هم نداشتیم که حقوق بدهیم. بچه‌های چپ هم کارهای سیاسی می‌کردند و کسی را که مخالفشان بود، در دادگاهی که تشکیل شده بود، محاکمه می‌کردند و علیه به گردنش می‌انداختند که دار بزنند. من در ۲۸ سالگی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۵۸ که بنی‌صدر انتخاب شد، چنین مجتمعی را اداره می‌کردم. یک بار درگیری شدیدی بین گروه‌های چپ و حزب‌اللهی‌ها در گرفت و حزب‌اللهی‌ها سخنران چپ را کتک زدند. فعالان چپ، او را بردند و شایعه کردند که کشته شده و باید کسی که او را کشته، اعدام صحرایی کرد. یکبری کردیم و متوجه شدیم این فرد نمرده و در خانه منشی مدیرعامل یک شرکت انگلیسی که با ایران تا پایان سال ۵۸، قرارداد داشت، مانده است.

■ ایپ شرکت انگلیسی برای چیست ماجرا بود؟

قرارداد ما با این شرکت آخر سال ۵۸ تمام می‌شد. این ماجرا را راه انداخته بود که چپ‌ها شعار دهند قرارداد استعماری فسخ باید شد؛ در نتیجه آن نتوانند از ما حساب بکنند. ما هم سخت ایستادیم و اجازه فسخ قرارداد را ندادیم. دیگر خسته شده بودم. به تهران بازگشتم و گفتم دیگر به اهواز برنمی‌گردم. بعد از سال ۵۹ به تهران منتقل شدم. تازه شرکت ملی فولاد ایران درست شده بود و من عضو هیئت‌مدیره شدم. سال ۶۰ وزارت معادن و فلزات تأسیس شد و من هم معاون وزیر شدم. در همین وزارتخانه بود که پیگیری دعاوی آمریکا علیه معادن فلزات و فولاد به من محول شد.

■ موضوع شکایتشان چه بود؟

انقلاب بود و پیمانکاران آمریکایی، کار را نیمه‌کاره رها کرده و کلی طلبکار بودند. چیزی قبل از انقلاب کار به شدت بالا گرفته بود. سال ۸۸ مبلادی بود که با آقایان کاظم‌پور و آقازاده به امارات رفتیم. ملاقاتی با خانم شراره شاه دشتیم. همان زمان بود که آمریکا به میدان سلمان حمله کرده بود. بچه‌های ما هم کشتی‌گیر که تنگه ماریک را در آن ذخیره می‌کردند، با ارجی‌چی زده بودند. در تهران با چند نفر از مدیران وزیده که مرتب از شراره تمامی گرفتند و گفتند ما مورد حمله واقع شدیم. ما گفتیم هم ما مورد حمله واقع شده‌ایم. بنابراین کشتی‌های آنان خودرهان را به محور اینجا کشاندند و کسی حمله کرده. به هر حال ما نیز حکام شراره رفتیم. او من را نمی‌شناخت. به من گفت آقای حسینی در سیستم شما چه‌کاره است؟ من حکام شراره هستم و جایگاهی دارم. با لحنی تند تلکس می‌زند. می‌گویم از طرف شما به من حمله شده. تلکس می‌زند به همه مجاهدین ما که ما با آقای حسینی در تماس هستیم. ما با آقای حسینی تماس گرفتیم و گفتیم ما مورد حمله واقع شدی